

روایت فیروزه تراشان مشهد از سنگی که هیچ دورریزی ندارد

فیروزه تراشی؛ سوغات هنری مشهد در بازارهای جهانی



طین هنمتی	گزارش روز
فیروزه به عنوان قدیمی ترین سنگ های زینتی ایران است که نام آن با خراسان و به ویژه نیشابور پیوند خورده است. در کنار معادن فیروزه نیشابور، هنر فیروزه تراشی در	

● نقش فناوری در پیشرفت هنر فیروزه تراشی رضا فخرانی. از فیروزه تراشان مشهد، با اشاره به تغییرات ابزار و شیوه های کار در این حرفه می گوید: در گذشته تراش فیروزه عمدتا به دلیل محدودیت امکانات و تجهیزات، به صورت کاملاً سنتی انجام می شد. ابزار اصلی آن زمان وسیله ای به نام «کمانچه» بود که استادکار با یک دست آن را به حرکت درمی آورد و با دست دیگر نگین را روی سطح چرخ می سایید تا شکل بگیرد. فخرانی توضیح می دهد که این روش بسیار سخت و طاقت فرسا بود و به مهارت و صبر فراوان نیاز داشت. اما امروز با ورود دستگاه های متنوع برش، تراش و جلا، کار بسیار آسان تر شده و همین مسئله به افزایش کیفیت و کمیت تولید کمک کرده است.

این فیروزه تراش مشهدی با تأکید بر نقش فناوری در پیشرفت صنایع می افزاید: فناوری موتور محرک و پیشران هر صنعتی است و هنر صنعت فیروزه تراشی نیز از این قاعده مستثنا نیست. به گفته او، استفاده از ابزارهای مدرن و تخصصی باعث شده این حرفه توسعه بیشتری پیدا کند و زمینه رونق مشاغل وابسته به آن نیز فراهم شود. فخرانی در عین حال معتقد است که بهره گیری از تجهیزات جدید هیچ منافاتی با روح سنتی این هنر ندارد و در واقع می تواند به حفظ و گسترش آن کمک کند. فخرانی در ادامه می گوید: بخشی درخورتوجهی از ابزارهای تخصصی فیروزه تراشی وارداتی هستند. او از شرکت های دانش بنیان و تولیدکنندگان داخلی درخواست می کند برای طراحی و تولید این ابزارها وارد عمل شوند تا وابستگی به واردات کاهش یابد. به گفته او، فیروزه تراشی در ایران سابقه ای طولانی دارد و نگین فیروزه نیشابور نیز از دیرباز به دلیل ارزش و برکتی که برای آن قائل هستند، با استقبال مردم روبه رو شده است. فخرانی اضافه می کند که این گوهر علاوه بر ارزش هنری و اقتصادی، در باورهای دینی و همچنین در طب اسلامی نیز مورد توجه بوده است و بزرگان نیز به استفاده از آن توصیه کرده اند.

● به روزرسانی سبک های تراش بر اساس سلیقه مشتری این فعال حوزه فیروزه تراشی تأکید می کند که اصل مشتری مداری ایجاب می کند هنرمند با توجه به سلیقه و نیاز بازار، سبک ها و مدل های تراش را رو به زو کند. به گفته او، این موضوع هم در بازار داخلی و هم در بازارهای خارجی اهمیت زیادی دارد. فخرانی می گوید از ارزشمندترین سبک های تراش می توان به تراش زاویه ای یا «الماس تراش» اشاره کرد. همچنین تولید تابلوهای نفیس خطی با فیروزه، حکاکی روی نگین، بیکر تراشی یا کاروبینگ، ساخت مهره های تسبیح و بسیاری از آثار هنری دیگر نیز در این حوزه رواج دارد. فخرانی درباره بازارهای خارجی فیروزه نیز توضیح می دهد: سلیقه مشتریان در کشورهای مختلف متفاوت است. مشتریان حوزه خلیج فارس غالباً نگین «عجم» یا همان فیروزه صاف و خوش رنگ را می پسندند. عراقی ها بیشتر به فیروزه های سبزیای علاقه دارند. در حالی که مشتریان از کشور افغانستان به فیروزه های مرغوب با ذات چاهی گرایش دارند. او اضافه می کند که خریداران پاکستانی و هندی نیز بیشتر از فیروزه های فراوری شده یا همان رنگ شده استفاده می کنند که ظاهر صاف و خوش رنگی دارند و قیمت مناسب تری نیز دارند. در کشورهای

آسیای شرقی به ویژه اندونزی، فیروزه های سبز تیره با نقش ونگار خاص طرف داران بیشتری دارند و در برخی بازارها نیز فیروزه های شجری یا رگه دار محبوب است.

● تنوع فلزات و محصولات در شرایط اقتصادی امروز این هنرمند در ادامه به تأثیر شرایط اقتصادی بر تولیدات اشاره می کند و می گوید: نوسان نرخ ارز و افزایش قیمت اونس جهانی نقره باعث تورم و رکود در بازار شده است. به همین دلیل تولیدکنندگان ناچار شده اند علاوه بر نقره، از فلزات ارزان تری مانند استیل رنگ ثابت و «طلای روس» برای سوار کردن نگین استفاده کنند. فخرانی همچنین به گسترش استفاده از فیروزه در صنایع دستی اشاره می کند و می گوید: امروزه این سنگ در محصولاتی مانند ظروف مسی فیروزه کوبی، ترکیب رزین و فیروزه برای تولید جاسوییچی، قاب آینه، زیورات، ظروف و تابلوهای تزئینی و حتی در کیف های دست ساز زنانه نیز به کار گرفته می شود.

● جایگاه ویژه فیروزه نیشابور فخرانی تأکید می کند: در کارگاه های فیروزه تراشی، اولویت اصلی با فیروزه نیشابوری است. معدن نیشابور در مقایسه با دیگر معادن کشور ویژگی های متمایزی دارد؛ نخست اینکه مرغوب ترین فیروزه جهان در این منطقه یافت می شود و تنوع زیادی از نظر ذات و طیف رنگی دارد. دوم اینکه مشتریان تمایل بیشتری به خرید فیروزه نیشابوری دارند. به همین دلیل تعامل کارگاه ها با معدن نیشابور امری اجتناب ناپذیر است.

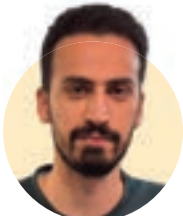
فخرانی به مشکلاتی در تأمین سنگ از برخی معادن دیگر اشاره می کند و می گوید: معادن کرمان و دامغان در سال های اخیر با توزیع محدود و قطره چکانی سنگ، مشکلاتی برای تولیدکنندگان ایجاد کرده اند؛ در حالی که بخشی از مشتریان به دنبال فیروزه های فراوری شده با قیمت مناسب تر هستند.

● لزوم آموزش و معرفی این هنر به نسل جوان این فیروزه تراش مشهدی در پاسخ به این پرسش که مهم ترین ویژگی یک فیروزه تراش حرفه ای چیست، می گوید: نخستین شرط، عشق به این هنر است. به گفته او، پس از آن شناخت دقیق سنگ خام فیروزه، دقت در هنگام خرید سنگ و تسلط کامل هنگام تراش اهمیت دارد. فخرانی توضیح می دهد که تراشکار باید به گونه ای کار کند که نگین هنگام تراش ضربه نخورد و در عین حال به نقش، رنگ و مقیاس سنگ نیز آسیبی وارد نشود. او با اشاره به اهمیت آموزش بیان کرد: جوانان علاقه مند می توانند با مراجعه به آموزشگاه ها یا حضور در کارگاه های فعال و بهره گیری از تجربه استادان این حرفه، فیروزه تراشی را فرا بگیرند. فخرانی همچنین پیشنهاد می دهد برای معرفی بهتر این هنر، محصولات کوچک فرهنگی در مدارس، کانون ها و فرهنگ سراها توزیع شود تا نسل جوان بیشتر با این هنر اصیل ایرانی آشنا شوند.

● مهارت و خلاقیت، نقش تعیین کننده در ارزش نهایی سنگ روح ا... توکلی. دیگر فیروزه تراش مشهدی، با اشاره به قدمت این هنر در خراسان می گوید:

فیروزه تراشی طی سال ها از روش های سنتی و دستی به استفاده از دستگاه های مدرن رسیده و همین تحول باعث شده حتی سنگ هایی که در گذشته دورریز محسوب می شدند نیز امروز کاربرد داشته باشند. توکلی که در خانواده ای فعال در حوزه فیروزه تراشی رشد کرده است، می گوید از کودکی با این حرفه آشنا بوده و به مرور تجربه عملی کسب کرده است. او در دوران دانشجویی نیز این کار را ادامه داده و پس از دانش آموختگی، فیروزه تراشی را به عنوان شغل اصلی خود انتخاب کرده است.

به گفته این فیروزه تراش مشهدی، مهارت و خلاقیت نقش تعیین کننده ای در ارزش نهایی سنگ دارند. او معتقد است دو نفر ممکن است یک سنگ مشابه را در اختیار داشته باشند، اما نتیجه کار فردی که تجربه و نگاه هنری بیشتری دارد، می تواند چندین برابر ارزشمندتر باشد. از نظر این هنرمند، فیروزه نیشابور به چند دسته اصلی تقسیم می شود: فیروزه عجمی که خلوص بالا و ارزش بیشتری دارد و معمولاً برای نگین استفاده می شود. فیروزه رگه دار که برای آماده سازی به برش با دستگاه های تیزبر نیاز دارد. فیروزه چُغله که رنگ کمتری دارد و نرم تر است و برای نگین، تسبیح، دستبند یا حتی مجسمه استفاده می شود و گاهی به احیا با رزین نیاز دارد. فیروزه نرم یا خا که در صنایع دیگری مانند فیروزه کوبی روی ظروف مسی و تابلوهای تزئینی به کار می رود. توکلی تأکید می کند: یکی از ویژگی های منحصر به فرد فیروزه نیشابور این است که تقریباً هیچ بخشی از آن دور ریخته نمی شود. از قطعات درشت برای نگین و زیورات زیورات استفاده می شود و حتی ذرات ریزو خا که آن نیز در هنرهایی مانند فیروزه کوبی کاربرد دارد.



روح... توکلی:
رود به حرفه فیروزه تراشی چندان دشوار نیست و حتی می توان با یک دستگاه ساده در خانه کار را آغاز کرد. اما رسیدن به مهارت بالا و خلق آثار ارزشمند نیازمند تمرین تجربه و خلاقیت است

● فیروزه نیشابور؛ سنگی بی تکرار با ارزشی چند ده برابر این فیروزه تراش مشهدی، با اشاره به پیچیدگی های این حرفه می گوید: حتی تجربه ترین فعالان این حوزه هم نمی توانند با قطعیت صددرصدی تشخیص دهند که یک فیروزه خام پس از تراش چه نتیجه ای خواهد داشت. به گفته او، یکی از چالش های اصلی فیروزه تراشان این است که مشخص نیست سنگ در نهایت به فیروزه صاف تبدیل می شود یا شجر، و همین موضوع هم در قیمت گذاری سنگ خام و هم در فرایند تراش نقش مهمی دارد.

توکلی توضیح می دهد: تراش برخی فیروزه ها زمان و تجربه زیادی می طلبد. به ویژه فیروزه های خاصی که ارزش تجاری بالاتری دارند. او می گوید گاهی یک فیروزه با صرف زمان و دقت بیشتر به بهترین شکل ممکن درمی آید و دیدن نتیجه نهایی آن، جدا از ارزش مالی، برای تراشکار بسیار لذت بخش است.

● احیا؛ فرایندی برای تقویت سنگ به گفته این فیروزه تراش، پس از تراش اولیه، برای ایجاد درخشندگی و جلای سنگ، مراحل سنباده کاری انجام می شود. این مراحل معمولاً با سنباده های شماره ۴۰۰ آغاز شده و سپس با ۸۰۰ و در مواردی برای سنگ های باارزش تر با ۱۲۰۰ ادامه پیدا می کند. در پایان نیز پولیش نهایی با استفاده از چرم و بودر مخصوص انجام می شود تا جلوه نهایی سنگ نمایان شود. توکلی با اشاره به فرایند «احیا» در برخی سنگ ها می گوید: در این روش، سنگ پس از تراش اولیه با رزین تقویت

شهریار

۲۲ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۲۴۳۳



شهریار

چارسوق
هنر

سیروس مقدم:

جنگ تحمیلی سوم می تواند ایده ای برای ساخت «پایتخت» باشد



کارگردان سریال پایتخت با اشاره به جنگ تحمیلی سوم گفت: این جنگ تحمیلی می تواند سوزه پایتخت ۸ باشد. به گزارش شهرآرانیوز، سیروس مقدم با اشاره به شخصیت های سریال پایتخت و تأثیر شرایط اجتماعی بر موضوعات آن، اظهار کرد:

«خانواده نقی معمولی» هم جزئی از جامعه ایران است و از جنگ متأثر شدند. کارگردان سریال پایتخت با توجه به شرایط کنونی کشور و حس و حالش در این روز ها اظهار کرد: اکنون تمام گفتنی ها بیان می شود، تمام دیدنی ها در معرض دید قرار دارد و تمام شنیدنی ها نیز قابل شنیدن است. وی از سوزه های فراوان جنگ برای ساخت داستان گفت: خانواده نقی معمولی هم جزئی از جامعه ایران است و از جنگ متأثر می شود و این جنگ ناجوانمردانه می تواند سوزه فصل های آینده سریال شود.مقدم در ادامه بیان کرد: این ماجرا از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست، حوادث ناشی از دو جنگ ناجوانمردانه است که سرشار از سوزه و قصه است از جمله ایده های مرتبط با ازدواج ها و نیز موضوع خود دفاعی که از کشور صورت می گیرد و جابه جایی ساکنان به نقاطی که تصور می شود امن تر است. در حالی که به دلیل ایجاد ناامنی از سوی دشمن، علا هیچ مکان امنی وجود ندارد. کارگردان مجموعه «پایتخت» درباره انعکاس این جنگ در فصل های آینده مجموعه «پایتخت» نیز توضیح داد: خانواده نقی به عنوان یک خانواده معمولی، همان گونه که از نام آن پیداست و مشاهده شده، جزئی از کل جامعه ایران محسوب می شود، بنابراین طبیعتاً این خانواده نیز از جنگ ناجوانمردانه متأثر خواهد شد.

پخش فصل جدید «لاله خیز» درباره جنگ تحمیلی سوم



برنامه تلویزیونی «لاله خیز» هم زمان با جنگ ۱۲ روزه روی آنتن رفت و یادعوت از خانواده های شهدای جنگ ۱۲ روزه به روایت زندگی ها و نحوه شهادت قربانیان پرداخت. این برنامه به شکلی جدی روایت خودراری خانواده های شهدای جنگ ۱۲ روزه گذاشت و حالا حدود چهل و چند روز پس از جنگ تحمیلی سوم دوباره به آنتن باگشته است.

برنامه تلویزیونی «لاله خیز» این روزها در حال تولید است و از شنبه ۲۲ فروردین روی آنتن شبکه یک سیما رفته است تا راوی حوادث جنگ تحمیلی سوم باشد. «لاله خیز» که در فصل اول با اجرای راحله امینیان به پخش رسید. در فصل جدید با اجرای فاطمه رضایور و رویکردی روایی تهیه شده است و تلاش می کند ابعاد کمتر بازگوشده این رخدادها را برای مخاطبان آشکار کند. «لاله خیز» به تهیه کنندگی مقداد مؤمن نژاد هر روز ساعت ۱۹ از شبکه یک سیما پخش می شود.

پیشخوان

معرفی کتاب «حاشیه همان متن است»، نوشته پیروز کلانتری

رفت و آمد میان زندگی و مستندسازی

رادمنش

چند دهه استمرار پیروز کلانتری در مستندسازی و مستند کردن آنچه در جهان اطرافش می دیده و جاذبه ای داشته که او را به سمت خودش بکشد، از نکاتی است که او را از خیل عظیمی از مستندسازان سوامی کند. مستندسازی کاری است که حتی کسی که اشتیایی جدی با سینما و مسائل فنی آن ندارد هم می تواند از پیشش برآید. نمونه هایی هم هست که ثابت می کنند اتفاقاً برخی مستندهای کار اولی ها گاه خیلی هم تأثیرگذار و خوب از آب درآمده اند. اما مانند در این مسیر، در ورطه تکرار نیفتادن و داشتن نگاهی به جهان و جامعه و آدم هایش است که می تواند خط تمایز مستندسازی حرفه ای و دغدغه مند باشد با آماتورها و سفارشی سازها و کنداکتور پُرکن

پیروز کلانتری کهنه کار برش هایی از تجربه زیسته اش که مستندسازی بخش اصلی آن است را در کتاب «حاشیه همان متن است» آورده است. البته این کتاب درباره مسائل فنی و توصیه های معلمانه نیست. درباره زندگی است و مستندسازی به مثابه نوعی زندگی. زندگی چیزی است که کلانتری فیلم مستندسازی را در خدمت آن دیده و خودش میان آن مدام در رفت و آمد بوده است. در درآمد کتاب نیز به آن اشاره کرده است، «اینجا و در این کتاب می خواهم در تأملات، دریافت ها و برداشت ها از سی سال زندگی با فیلم مستند (۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰) پرسه بزنم و واریسی اش کنم و خوانش هایی از این زندگی داشته باشم. رابطه فیلم و زندگی و رفت و آمد میان زیست های این دو جهان، راهمائی من در زندگی فیلم مستندی ام بوده است؛ زندگی به درد فیلم بخورد و فیلم به زندگی برگردد. لااقل برای خودم. در رفت و آمد میان این دو، مواجهاطم با جهان فیلم و سینمای مستند ایران را به بیان درآوردم.» این کتاب شامل ۳۵ جستار کوتاه است از تأملات، دریافت ها و برداشت های پیروز کلانتری از سی سال زندگی اش با فیلم مستند، نوعی خاطره خوانی از سرکردن مدام با مستند و مستندسازی. کلانتری در این کتاب از افکار و احوال ذهنی خودش نوشته و از دغدغه هایش در عالم مستندسازی گفته است. او در روایت هایش دائماً بین این دو جهان در رفت و آمد است و در کنار آن مسائل مختلفی را پیش کشیده، از شهر و جامعه تا واقعیت و زندگی، از همايون صنعتی زاده و عباس کیارستمی تا روایت های عینی و ذهنی.»

آنچه در ادامه می آید بخشی از جستار «دیده حیرت» است که پیروز کلانتری درباره عباس کیارستمی نوشته است: «سینما برای او واسطه کشف و زبان بیان روایتی های هر روزه و تازه با طبیعت و انسان بود و غور در مفاهیم ماحصل تجربه های زیست عینی و ذهنی مدامش بود. کیارستمی فیلسوف نبود، اما فلسفی نگاه و زندگی می کرد. مسئله او و زان لوک گذار دادن زبانی تازه به فیلم و سینما بود. گذار سینما خوانده و از آن نوشته بود و می خواست زبان سینما را عوض کند، اما کیارستمی مثل کودکی حیران و در جست و جوی کشف مدام، می خواست سینما را خودش کشف کند و در این راه پیشنهاد های جذابی برای ما باقی گذاشت. کاری با سینمای دنیا نداشت و آن را دور زد و با فیلم هایش این بدیل غریب را وسط گذاشت که می شود جور دیگر هم دید و بی قید ارتباط با آنچه که تاکنون با عنوان سینما جا افتاده و متر و معیار ساختن ها و دیدن هاست، فیلم را می شود جور دیگر هم ساخت.» فیلم، «را در برابر «سینما» مهم کرد. در این معنا که در هر آفرینش تازه، مواجهه حی و حاضر و زنده و متصل به امر واقع را برجسته کرد. رابطه هنر و زندگی را وسط گذاشت و به رابطه بداعت و

بداهه رسید. وجه رادیکال این رویکرد او برای

من در این درک و دریافت آشکار می شود که این بدیل فیلم به جای سینما را نه فقط آدمی در مقام و موقعیت کیارستمی، بلکه هر آدم حساس و شومرند و خواهانی از دل زندگی و جامعه می تواند پیش روی خود بگذارد و بیی بگیرد. این پرسش برایم باقی مانده که در عالم سینما او فیلم ساز خرد بود در سینمای تاکنون یا فیلم ساز اول است در جهان آینده سینما و کارهای تازه و نکرده ای که با فیلم می شود کرد؟ نه فقط هم در عالم سینمای حرفه ای و تخصصی و هنری. در عالم سینما و هنر، در چهره ای تازه و دیگر، پیش رو و در راه.»

